

۲۱ آذر:

تجدید خاطره‌ی تلخ و شیرین

نادر پیمایی

روز ۲۱ آذر برای مردم آذربایجان دارای دو مفهوم و خاطره متفاوتی است. ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ روز جدا شدن آذربایجان از پیکر ایران، و ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ روز نجات و برگشت آذربایجان به دامن مام وطن.

موضوع جداسازی آذربایجان سابقه ای طولانی دارد، چون در سال های پیش رو موضوع جدایی آذربایجان از ایران مورد ادعای گروهک‌هایی و متقابلاً مورد مخالفت اکثریت مردم آذربایجان و سایر هم‌وطنان ایرانی قرار گرفته، به جهت اطلاع نسل جوان که احتمالاً از سوابق تاریخی این موضوع ممکن است بی‌اطلاع باشند لازم دانستیم که مختصر اشاره‌ای به سابقه ی امر بکنیم.

منطقه ی آذربایجان به علت داشتن وسعت خاک و آبادی و شرایط اقلیمی و سوق‌الجیشی بسیار پراهمیت از قرن‌ها قبل همیشه مورد نظر امپراتوری روسیه تزاری و امپراتوری عثمانی بوده و در تعقیب هدف تصرف و توسعه ی ارضی، منطقه ی آذربایجان بارها مورد تهاجم و تصرف این دو همسایه ی متجاوز قرار گرفته است و هنوز هم اگرچه از نظر جغرافیایی نه، اما از نظر ایدئولوژیکی ادامه دارد.

روسیه ی تزاری طی چندین سال جنگ استعماری بالاخره طبق دو قرارداد تحمیلی (گلستان به تاریخ دوم آبان ماه سال ۱۱۹۲ خورشیدی برابر با ۲۴ اکتبر سال ۱۸۱۳ میلادی و ترکمن‌چای به تاریخ اول اسفند سال ۱۲۰۶ خورشیدی برابر با ۲۱ فوریه سال ۱۸۲۸ میلادی) دولت ایران مجبور به پرداخت غرامت جنگی و دادن امتیازات جغرافیایی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، محدودیت ایران در تملک بحر خزر، و از دست دادن بخش بزرگی از خاک ایران به نام اران (جمهوری آذربایجان امروز) با ۱۷ منطقه (ایالت، ولایات و خانات) به شرح زیر گردید:

قره‌باغ، گنجه، شکی، شیروان، قبه، دربند، بادکوبه، گوگچای، ایروان، نخجوان، آغداش، تفلیس، گروس، بولاخ، لنگران، سالیان، اردوباد، (علاوه بر منطقه ی اران، تمام داغستان و گرجستان و قسمتی از مغان و آستارا و تالش).
امپراتوری عثمانی به لحاظ رقابت با روسیه ی تزاری بر سر تملک آذربایجان و به طور کلی درگیری با روسیه و سایر کشورهای مسیحی اروپا، قبل از شروع جنگ اول جهانی در صدد توسعه ی نفوذ و قدرت خود برآمد، به همین منظور اقدام به ترویج دو مرام یا ایدئولوژی نمود:

الف- پان‌ترکیسم یا پان‌تورانیسم برای اتحاد کشورهای ترک و ترک‌زبان

ب- پان‌اسلامیسم برای اتحاد کشورهای مسلمان و عرب

با شروع جنگ اول جهانی دو امپراتوری روسیه و عثمانی که جزو طرفین جنگ بودند، با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، جنگ را به داخل خاک ایران و منطقه ی آذربایجان کشاندند و در طول مدت جنگ، چندین بار آذربایجان بین قوای روسیه و عثمانی دست به دست گشت و صدمات و خسارات مالی و جانی زیادی به مردم آذربایجان وارد آمد.

در سال ۱۹۱۸ میلادی که ارتش عثمانی در آذربایجان بود، دولت عثمانی به جهت توسعه ی قدرت خود و جلب حمایت مردم آذربایجان شروع به تبلیغ شدید و طرح‌ریزی اجرای مرام پان‌ترکیسم و جدا کردن آذربایجان از ایران و الحاق آن به خاک کشور خود کرد. بدبختانه حکومت مرکزی ایران به قدری ضعیف و ناتوان بود که قادر به حفظ امنیت و نگهداری پایتخت نبود، چه برسد که بتواند آذربایجان را در مقابل مطامع و دسایس بی‌گانه گان حفظ بکند، این تنها مردم آذربایجان بودند که در مقابل نظر و هدف دولت عثمانی و اجرای طرح پان‌ترکیسم مخالفت شدید خود را در مورد تجزیه ی آذربایجان نشان دادند. در آن موقع شیخ محمد خیابانی و یارانش از قبیل نویری و امیرخیزی یک گروه سیاسی را تشکیل داده و در راه حفظ استقلال ایران و به ویژه آذربایجان فعالیت می کردند. این گروه با ایراد سخنرانی و نشر روزنامه، مردم را از مقاصد شوم ترک‌های عثمانی مطلع کرده و برای مقابله با تجزیه‌ی آذربایجان از ایران، مردم را دعوت به مبارزه می‌کردند. به همین جهت دولت عثمانی شیخ‌محمد خیابانی را دستگیر و مدت یک سال به قارص تبعید کرد. به هر حال در مقابل ایستاده گی مردم و هم‌چنین شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، طرح پان‌ترکیسم و تجزیه‌ی آذربایجان نیز بی‌نتیجه ماند.

با وجود این که بعد از جنگ اول جهانی دو امپراتوری روسیه و عثمانی از بین رفت و دو دولت اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری ترکیه به جای آن‌ها به وجود آمدند، ولی متأسفانه این دو دولت نیز هم‌چنان فکر و سیاست اسلاف خود را در مورد تصرف آذربایجان در سر داشتند.

با روی کار آمدن رضاشاه و ایجاد ثبات و تحکیم در ایران، چندین سال اسم و موضوعی به نام جدا شدن آذربایجان از ایران وجود نداشت. بدبختانه با شروع جنگ دوم جهانی و اشغال ایران از طرف قوای متفقین، این بار ارتش شوروی منطقه ی آذربایجان را تصرف شد و با تشکیل حزب توده در ایران و تبلیغ مرام کمونیستی، در جهت تجزیه ی آذربایجان اقدام به تشکیل فرقه ی دموکرات آذربایجان کرد. در تاریخ ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ خورشیدی با خلع سلاح و تسلیم ارتش ایران، اقدام به تشکیل حکومت خود مختار آذربایجان، در راستای الحاق آن به جمهوری آذربایجان شوروی نمود. در تشکیل این حکومت اکثریت قریب به اتفاق مردم آذربایجان کوچک ترین دخالتی نداشتند. این فقط قدرت دولت و ارتش اتحاد جماهیر شوروی بود که توانست به دست تعدادی از افراد فریب‌خورده و یا خود فروخته و برخی از افراد ستون پنجم خود به نام مهاجرین قفقازی یک حکومت پوشالی و غیر مردمی و غیر ایرانی را به وجود آورد. ولی خوش‌بختانه و با مساعد شدن اوضاع سیاسی با حرکت نیروهای نظامی ایران به سمت آذربایجان، مردم خطه‌ی آذربایجان قیام کرده و با در دست گرفتن اسلحه در



تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۲۵ خورشیدی حکومت دموکرات آذربایجان را از پا درآوردند. بعد از سال ۱۳۲۵ تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به لحاظ اوضاع سیاسی جهان تقریباً از موضوع موهوم و خیالی تجزیه ی آذربایجان خبری نبود. با فروپاشی دولت کمونیستی شوروی و آزادشدن کشورهای مستعمره شده از طرف شوروی از جمله جمهوری آذربایجان، ترکیه موقعیت را برای بسط نفوذ خود در کشورهای ترک و ترک‌زبان آسیای میانی و در جمهوری آذربایجان (اران سابق) مناسب دید. با وجود این که خود ترکیه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی با هزاران گرفتاری و مشکلات دست به گریبان بود، ولی با صرف مبالغ زیاد و ایجاد مراکز صنعتی و اقتصادی و اعزام مستشاران مالی و نظامی، به اصطلاح جای پای برای خود تدارک می‌دید و در به قدرت رسانیدن یک فرد صددرصد معتقد به مرام پان‌ترکیسم به نام ابوالفضل ایلچی‌بیگ نقش عمده‌ای را به عهده گرفت. ایلچی بیگ به تحریک پان‌ترکیست‌های ترکیه ادعای یکی بودن و یکی شدن دو آذربایجان را کرد و به شدت شروع به تبلیغ نمود و عده‌ای را به نام آذربایجانی‌های جدایی خواه و استقلال طلب در اروپا و آمریکا و کانادا به راه انداخت.

به طور قطع نقشه‌ی تسلط بر منطقه و به دست گرفتن بازار اقتصادی، گستره پهناور قفقاز و مخصوصاً استیلا بر منابع عظیم نفت قبلاً از طرف دولت های غرب طرح‌ریزی شده بود و طمع ترک‌ها را دو چندان کرد. غرب با به راه انداختن نیمچه کودتای ساخته گی، ایلچی‌بیگ را برکنار و یک چهره بسیار موثر و با توانی به نام حیدر علی‌اوف را به جای او گماشت، حیدر علی‌اوف به عنوان یک کمونیست شناخته‌شده با داشتن سوابق عضویت در دفتر سیاسی حزب کمونیست (پولیت بورو) و عضویت در سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی (ک.ا.گ.ب) و معاونت نخست وزیر که در به زنجیر و اسارت کشیدن و کشتارهای دسته‌جمعی نقش به سزایی داشته به عنوان رییس‌جمهور آذربایجان در جهت برآوردن خواست‌ها و حفظ منافع غرب، زمام امور را به دست گرفت.

طی چندین سال گذشته عده‌ای مزدور از طرف پان‌ترکیست‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان در اروپا و آمریکا و کانادا راه افتاد و با برگزاری سمینارها و کنگره‌ها و نشر مقالات و کتاب‌ها و مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی با ادعای این که آذربایجانی ترک نژاد و ترک زبان است و با ایران و ایرانی هیچ گونه وابسته گی ندارد. و حکومت ایران به زور آذربایجان را تصرف کرده و در حق ملت آذربایجان همه نوع ظلم و ستم و اجحاف را روا داشته، بنابراین ملت آذربایجان خواهان استقلال و جدا شدن از ایران و پیوستن به خواهران و برادران آن سوی مرز است !!

به شهادت تاریخ چنین حرکت‌هایی همیشه از طرف بی گانه گان در جهت حفظ منافع خودشان ایجاد و حمایت شده، و به عبارت دیگر موضوع تجزیه و جدا شدن آذربایجان از ایران ریشه در خارج داشته و هیچ‌وقت حتا اقلیتی از مردم آذربایجان خواهان چنین موضوعی نبوده اند. نمونه ی بارز آن قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ بود که هنوز عده زیادی هستند که شاهد آن حوادث و روزها بوده اند.

در مورد طرح تجزیه ی آذربایجان و دخالت و عاملیت حزب توده و پیشه‌وری، نوشته افرادی چون دکتر جهانشاه‌اوف افشار (معاون اول پیشه‌وری) و دکتر عنایت‌الله رضا و عده‌ای از افراد میهن پرست دیگر که پی به دسیسه و نیرنگ بی گانه گان برده بودند از راهی که به اشتباه در پیش گرفته بودند برگشته و با افشاگری، حقایق را با مردم در میان گذاشتند. و با اعتراف و نوشته ی خیلی از سران حزب توده که آشکارا به آلت دست دولت شوروی بودن و اعتراف کرده‌اند، و در این مورد مدارک مستند و شواهد گویایی وجود دارد.

ولی متأسفانه امروز هم می‌بینیم که عده‌ای انگشت‌شمار در جهت حفظ منافع و اهداف بی گانه گان در جهت تجزیه‌ی آذربایجان فعالیت می‌کنند و با

کمال وقاحت روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ را روز قیام مردم آذربایجان برای کسب استقلال و پیشه‌وری را به عنوان قهرمان و خادم ملت ایران قلمداد می کنند. به این افراد باید گفت آذربایجانی در چهارچوب تمامیت ارضی ایران اگر در بدترین شرایط هم قرار بگیرد چون خود را ایرانی و ایران را از آن خود می داند، بنابراین به هیچ‌وجه حاضر به قبول سلطه‌ی ترکیه و یا جمهوری آذربایجان و یا هیچ کشور مزدور دیگری نیست. ■

